

سیاست اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی: منافع و چالش‌ها

حمید رهنورد^۱

سیاست همسایگی اتحادیه اروپا بدنبال طراحی استراتژیک میان مدت جهت ترسیم نوع مناسبات با همسایگان خویش است که چشم انداز روابط این اتحادیه را با این مناطق به تصویر می‌کشد. در این راستا عدم امکان عضویت این همسایگان در اتحادیه اروپا بدلیل معضلات عمیق داخلی و خارجی و از سویی دیگر منافع و علایق امنیتی، سیاسی و اقتصادی اتحادیه در این کشورها موجب طرح سیاست همسایگی اتحادیه گردیده است. بطوری که اتحادیه اروپا برای برقراری ثبات و توسعه سیاسی و اقتصادی کشورهای سه گانه قفقاز جنوبی بر مبنای ملاک‌ها و استانداردهای اروپایی، سیاست همسایگی اتحادیه اروپا را در خصوص مناسبات دو جانبه با این کشورها ترسیم کرده است، که علاوه بر حفظ ثبات و امنیت در این کشورها، رعایت ارزش‌هایی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر ملاک‌هایی هستند که اتحادیه اروپا جهت تعیین میزان همگرایی آنها با استانداردهای اتحادیه اروپایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در بعد اقتصادی توجه به موقعیت ترانزیتی قفقاز جنوبی برای دسترسی به منابع انرژی حوزه دریای خزر و همچنین تداوم اصلاحات اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار که وضعیت شفاف را برای سرمایه گذاری شرکت‌های اروپایی در این منطقه فراهم نماید، از جمله علایق و منافع اتحادیه اروپا است. در بعد امنیتی علی‌رغم اعمال نفوذهای مستقیم روسیه برای بهره برداری از منازعات این کشورها با جمهوری‌های خودمختار تجزیه طلب، اتحادیه اروپا با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی بدنبال حل مسالمت آمیز این منازعات به بن بست رسیده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، روسیه، منافع و علایق، چالش‌ها و امنیت انرژی.

^۱ پژوهشگر حوزه مطالعات قفقاز

مقدمه

قفقاز جنوبی به عنوان جنوب شرقی‌ترین منطقه اروپا دارای ابعاد مختلفی از اهمیت استراتژیک و ژئواکونومیک برای اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای است. موقعیت ترانزیتی این منطقه برای دسترسی به منابع انرژی دریای خزر و همچنین قرار گرفتن در مسیر کریدور شرق و غرب (تراسکا) که اتحادیه اروپا حامی مالی آن است، تنها بخشی از اهمیت این منطقه را در سیاست بین‌الملل و منطقه نشان می‌دهد. با وقوع انقلاب گل‌های رز در گرجستان در پایان سال ۲۰۰۳ میلادی و تلاش غرب برای گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی در منطقه و تقابل ایجاد شده با روسیه به عنوان قدرت مسلط سابق در این منطقه که درگیری اخیر در اوستیای جنوبی بین گرجستان و روسیه نماد آشکار تجدید این تقابل بود، اهمیت حل بحران‌های به بن بست رسیده در این منطقه برای کاهش تنش‌ها و یافتن راه حلی صلح‌آمیز برای حل این منازعات آشکار گردید. از سوی دیگر ایران به عنوان همسایه جنوبی این منطقه منافع غیرقابل انکاری در ثبات و توسعه اقتصادی این منطقه و حضور در آن دارد. با مدنظر قرار دادن پیچیدگی‌های ناشی از تقابل منافع متفاوت و بعضاً متعارض قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای که با معضلات داخلی عجین شده است، وضعیت پیچیده‌ای به وجود آمده است.

مقاله حاضر بدنبال تحلیل نحوه اعمال سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی است. سوال اصلی این تحقیق عبارت است از این که منافع اصلی پیشبرد سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در منطقه قفقاز جنوبی چیست؟ مفروض این پژوهش آن است که رقابت‌ها در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین شرایط و مشکلات خاص اروپا باعث تداوم و طولانی شدن بحران‌ها در قفقاز گردیده است. از طرفی دیگر معضلات داخلی این کشورها مانند فقدان فرهنگ سیاسی دمکراتیک، زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی و منازعات به بن بست رسیده با همسایگان از موانعی است که در مقابل اجرای بهینه سیاست همسایگی اتحادیه اروپا وجود دارد. با این حال در چنین جوی اتحادیه اروپا با تبیین سیاست همسایگی اروپا به دنبال اعمال و تامین اهداف، علایق و منافع خود می‌باشد.

بخش اول) چالش‌ها و شرایط سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی

توجه و علاقمندی اتحادیه اروپا برای حضور در قفقاز جنوبی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون همچنان سیر صعودی داشته است. هم‌زمان سه جمهوری قفقاز نیز علاقمند گسترش مناسبات با اتحادیه و بهره‌مندی از توانمندی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک آن بوده‌اند. لذا طرفین گام‌هایی را برای تعمیق مناسبات اتخاذ کرده‌اند که حضور این سه کشور در نهادهای اروپایی و فرآتلانتیکی، تاسیس کریدور حمل و نقل شرق و غرب، همچنین سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های اروپایی در حوزه‌های نفت و گاز دریای خزر و خطوط لوله انتقال آن، عضویت در برنامه مشارکت برای برنامه صلح ناتو، دریافت کمک‌های اقتصادی و فنی از اتحادیه از جمله سیاست‌های اتخاذ شده طرفین در راستای رسیدن به منافع مشترک میان مدت و بلند مدت بوده است.

در جهت حرکت به سوی همگرایی منطقه‌ای میان قفقاز جنوبی و اتحادیه اروپا، چشم‌اندازهایی از طریق این اتحادیه برای این کشورها طراحی شده است. در این مسیر ابهامات و پیچیدگی‌های متعددی وجود دارد از جمله اتحادیه اروپا چگونه می‌تواند دموکراسی و ثبات را در قفقاز جنوبی تشویق کند؟ در حالی که اتحادیه اروپا و روسیه در سال ۱۹۹۹ بر سر طرح مشارکت استراتژیک با یکدیگر به توافق رسیده‌اند؟ (در حالی که روسیه هنوز کشوری دموکراتیک محسوب نمی‌شود). لذا این مشارکت چگونه می‌تواند به همکاری عملی در کشورهایی که همسایه مشترک میان اتحادیه اروپا و روسیه می‌باشند، منجر شود؟ در عین حال که این سه کشور دارای اختلافات عمیقی با همدیگر نیز می‌باشند؟

پاسخ به این سوالات با ابهام روبرو است، زیرا آنها زمانی مطرح می‌شوند که اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر سیاست خارجی بایستی منافع خود را در خارج از اتحادیه اروپا پیش ببرد، بدون آنکه سیاست پذیرش اعضاء جدید را ادامه دهد. سیاست خارجی بعضی مواقع در جهانی متضاد عمل می‌کند، در این راستا بایستی بلند پروازی‌ها از یک سو و توانایی‌های محدود از سوی دیگر، هم‌زمان همدیگر را کنترل کنند. در سیاست خارجی شریک خارجی شما بندرت می‌خواهد شبیه شما شود و صرفاً بعضی مواقع آن چیزی را می‌خواهد که شما خواهان آن هستید. در فضای فعلی اتحادیه اروپا نمی‌توان مذاکره‌ای برای توسعه آن فراتر از تعهداتی که اتحادیه اروپا داده است، آغاز کرد. در مورد قفقاز جنوبی اتحادیه اروپا با چنین شرایطی روبرو است. با این وجود در سیاست خارجی بدنبال توسعه

روابط با این منطقه است، در همان حال نمی‌تواند شرایط سیاست گسترش را برای آن کشورها ارائه کند. (Lynch, 2006:11)

در حالی که گرجستان، آذربایجان و ارمنستان علاقمند حضور بیشتر سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی می‌باشند، اما اتحادیه اروپا با توجه به علایق و محدودیت‌های موجود به ویژه در رابطه با مناسبات خود با روسیه این روابط را به شکل مرحله‌بندی شده پیش می‌برد زیرا تقاضاهایی مانند عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو که از سوی کشوری مانند گرجستان مطرح می‌شود در شرایط فعلی امکان تحقق کمی دارد زیرا زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این منطقه با شاخص‌های اتحادیه اروپا فاصله عمیقی دارد. بنابراین تفاوت نوع نگرش طرفین به روابط آنها تا حدودی منطقی است زیرا اتحادیه اروپا قدرتی جهانی و توسعه یافته است در حالی که سه کشور مذکور در مراحل اولیه دولت‌سازی و توسعه اقتصادی می‌باشند. (Government Millennium Challenge Project, 2002) به طوری که عکس‌العمل اتحادیه اروپا به بحران جنگ روسیه و گرجستان در اوستیای جنوبی عکس‌العمل منفعلانه‌ای بود و نتوانست مانع شناسایی رسمی جمهوری‌های اوستیای جنوبی و آبخازیا توسط روسیه گردد.

در واقع علت اصلی این عدم عکس‌العمل از سوی اتحادیه اروپا را بایستی در وابستگی متقابل مناسبات روسیه و اتحادیه اروپا بویژه در حوزه انرژی و تجارت تحلیل نماییم که گزاره‌های زیر وابستگی متقابل اتحادیه اروپا و روسیه به یکدیگر را نشان می‌دهد. (گزارش راهبردی، ش ۱۹۵)

۱. در سال ۲۰۰۷ حدود ۵۱/۵ درصد کل تجارت خارجی روسیه با اتحادیه اروپا بوده است.

۲. ۷۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه توسط اتحادیه اروپا صورت گرفته است.

۳. صادرات کالا از اتحادیه اروپا به روسیه در سال ۲۰۰۷، ۸۹ میلیارد یورو بوده است.

۴. واردات کالا از روسیه به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷، ۱۴۳.۵ میلیارد یورو بوده است.

۵. سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در روسیه در سال ۲۰۰۷، ۱۷ میلیارد یورو

بوده است.

۶. اتحادیه اروپا در حال حاضر ۵۰ درصد انرژی مصرفی خود را وارد می‌کند که این

میزان در سال ۲۰۳۰ به ۷۵ درصد خواهد رسید. در راس صادرکنندگان انرژی به اتحادیه اروپا روسیه قرار دارد.

۷. روسیه ۱۲/۳ درصد نفت و ۱۲/۳ درصد گاز جهان را تولید می‌کند.
 ۸. ۸۴/۴ درصد کل گاز روسیه به اتحادیه اروپا صادر می‌شود که ۲۶/۲ درصد کل مصرف اتحادیه اروپا است.
 ۹. ۷۵ درصد کل درآمد روسیه از انرژی ارسالی به اتحادیه اروپا تامین می‌شود.
- با توجه به این هم تنیدگی وابستگی اقتصادی طرفین به یکدیگر، هر گونه انتظار از وخیم‌تر شدن این بحران با توجه به تلاش‌های فرانسه به عنوان ریاست دوره‌ای وقت اتحادیه اروپا و فنلاند به عنوان ریاست ادواری سازمان امنیت و همکاری اروپا و خواست روسیه برای انجام مذاکره دور از انتظار نبوده است و نشان داد که هر گونه ایده‌ای در خصوص شروع جنگ سرد جدید دارای نگاهی عمیق به روابط طرفین نمی‌باشد، حداقل تا زمانی که وابستگی اروپا به انرژی روسیه باقی است و روسیه نیز به سرمایه‌گذاری غرب و همچنین صادرات نفت و گاز خود به عنوان منبع اصلی درآمد ملی خود وابسته است.^۱

بخش دوم) الف: منافع اتحادیه اروپا در گرجستان

منافع اتحادیه اروپا در گرجستان شامل تشویق دموکراسی، توسعه اقتصاد آزاد، حفظ تمامیت ارضی و ثبات در گرجستان است. البته اتحادیه اروپا به این نکته واقف است که تشویق دموکراسی و اقتصاد بازار فرایندی طولانی مدت است و توأم با موانع متعددی است و رفع این موانع نیازمند سیاست‌های گام به گام و آینده‌نگر است. از نظر اتحادیه اروپا توسعه اقتصادی و حمایت از جامعه مدنی و آزادی‌های فردی بسیاری از معضلات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در این جوامع را می‌تواند حل نماید. همچنین بیکاری، جرایم سازمان یافته، اعتیاد، قاچاق تسلیحات نظامی و مواردی از این قبیل راه‌حل‌های طولانی مدت و برنامه‌ریزی شده را می‌طلبد.

^۱ به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا در راستای کاهش وابستگی خود به روسیه که عمدتاً در حول بخش انرژی قرار دارد خط و مشی‌های جدی را دنبال خواهد کرد که شامل گرایش جدی اتحادیه اروپا به سمت تجدیدنظر در سیاست انرژی خود می‌باشد. در نشست سران اروپا، برای نخستین بار تمامی ۲۷ عضو موافقت کردند تا ضمن بازنگری در سیاست‌های انرژی خود، تلاش نمایند در زمینه واردات نفت و گاز از روسیه حداقل وابستگی را داشته باشند. تقریباً می‌توان گفت پس از اقدام روسیه در قطع موقت صدور گاز به اوکراین و نفت به استونی، بحران گرجستان و تهدیدات مکرر مقامات روسی به استفاده از اهرم انرژی در تنظیم روابط خود با اتحادیه اروپا بالاخره این اتحادیه خود را جهت بازنگری در استراتژی انرژی اروپایی آماده ساخته است. (Mcelroy, www.telegraph.co.uk)

حل منازعات به بن بست رسیده در این راستا اهمیت فوق العاده‌ای دارد زیرا این امکان را فراهم می‌آورد که منابع اقتصادی محدود این منطقه در جهت ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و یا بازسازی و نوسازی صنایع و موسسات فرسوده به کار گرفته شود. همچنین جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، توسعه توریسم و ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل انرژی مستقیماً با حل منازعات به بن بست رسیده و به دنبال آن ایجاد ثبات و امنیت در ارتباط مستقیم است. (Starr, 2005) کلیه این علایق و منافع با تحقق دموکراسی و رعایت موازین حقوق بشر مورد نظر اتحادیه اروپا قابل تحقق خواهد بود.

با توجه به تحولات ناتو در دهه ۱۹۹۰ و مشکلاتی که سازمان امنیت و همکاری اروپا با آن روبرو است که باعث نزدیکی اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌گردد. در همین راستا گرجستان در طرح امنیتی گسترده اروپا تأثیرات بسزایی دارد. از نظر اروپا گرجستان در میان علایق فرآتلانتیکی اتحادیه اروپا قرار دارد. به همین جهت هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا منافع مشترکی در پیشرفت و ثبات گرجستان دارند، هر چند این منافع لزوماً مشابه نیست. همکاری فرآتلانتیکی عنصر کلیدی برای موفقیت گرجستان است. منافع اتحادیه اروپا در گرجستان متأثر از روابط اتحادیه اروپا با روسیه است. در سال ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا و روسیه قصد خود را برای ایجاد یک مشارکت استراتژیک و همکاری بیشتر در حوزه انرژی برای رسیدن به این اهداف مشترک اعلام کردند. نشست سران اتحادیه اروپا و روسیه در می ۲۰۰۵، مسکو و بروکسل را به توافقی در خصوص نقشه راه در حوزه امنیت خارجی به توافق رساند که شامل همکاری امنیتی در همسایگی مشترک در نواحی که روسیه و اتحادیه اروپا در آن مرز مشترک دارند، می‌باشد. مشارکت استراتژیک روسیه و اتحادیه اروپا در حوزه انرژی منافع مشترکی را ایجاد خواهد کرد. به طوری که اتحادیه اروپا هیچ منفعتی در روابط تنش‌زا بین روسیه و گرجستان ندارد. علی‌رغم مشکلات موجود، گرجستان و اتحادیه اروپا بدنبال ایجاد روابط و مناسبات مثبت همکاری با روسیه می‌باشند. (حیدری، رهنورد، ۱۳۸۷: ۵۶)

با عضویت رومانی و بلغارستان و حرکت ترکیه در مسیر دسترسی به عضویت اتحادیه اروپا، اتحادیه باید نسبت به اعمال سیاست همسایگی اروپا در این منطقه اقدام می‌نمود. همچنین با روندهای جاری در جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی، همکاری‌های فرآتلانتیکی، روابط اتحادیه اروپا با روسیه و آینده سازمان‌های امنیتی اروپایی دارای بهم

پیوستگی بوده و از آنجا که گرجستان نقطه‌ای برای تولد اروپای جدید می‌باشد، از این رو مورد توجه است. این روندهای گسترده نقطه کلیدی برای اروپا است که در این کشور کوچک در جریان است. تضمین یک دولت صلح طلب و کارا، ایجاد دموکراسی در چنین کشوری در مرزهای اتحادیه اروپا است که تاثیری فراتر از منطقه خودش خواهد داشت. به همین خاطر است که آشکارا گرجستان برای اتحادیه اروپا دارای اهمیت است.

توجه اتحادیه اروپا به منطقه قفقاز جنوبی با توجه به سابقه کوتاه استقلال این منطقه، مربوط به سال‌های اخیر می‌گردد. به ویژه بعد از گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، این اتحادیه روابط نزدیک‌تری را با قفقاز جنوبی برقرار کرده است و تمرکز اصلی آن بر حل منازعات قره‌باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی در راستای گسترش روابط با گرجستان در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گیرد؛ زیرا گسترش جنگ و بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند امنیت اتحادیه اروپا را تضعیف کند. به همین خاطر اتحادیه اروپا بدنبال حل منازعات این منطقه، تشویق این کشورها برای حکومت مطلوب، تضمین دسترسی به نفت و گاز دریای خزر و توسعه حمل و نقل و ارتباطات بین اروپا و آسیا از این طریق است.

بسیاری از کشورهای همسایه اتحادیه اروپا در آرزوی پیوستن و عضویت در اتحادیه اروپا می‌باشند. اما در کوتاه مدت مذاکرات در این خصوص غیر ممکن است. راه حلی که اتحادیه اروپا برگزیده است، ارائه پیشنهادهایی از مناسبات دو جانبه بوده که بیش از مشارکت است اما کمتر از عضویت یا روابط ممتاز بر مبنای منافع و ارزش‌های مشترک می‌باشد. در حقیقت سیاست جدید همسایگی اروپا وسیله‌ای برای آزمون توانایی همسایگان برای دریافت کمک‌ها و تلقی شدن به عنوان کشورهای شریک است.

با توجه به مزایای عضویت در اروپا اکثریت قریب به اتفاق مردم کشورهای قفقاز جنوبی خواستار پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا می‌باشند، بنحوی که در انتخابات ژانویه ۲۰۰۸ ریاست جمهوری در گرجستان که هم زمان با آن رفراندوم عضویت در ناتو نیز برگزار شد، ۹۴٪ از مردم گرجستان برای پیوستن کشور خود به ناتو رای مثبت دادند. همچنین با این وجود رسانه‌های گروهی و نخبگان سه کشور قفقاز جنوبی، نقش موثری در حرکت این کشورها بسوی همگرایی با اتحادیه اروپا ایفای می‌کنند. خواست‌ها و علایق برای عضویت در اتحادیه اروپا در بالاترین حد خود است. دولت گرجستان خواهان مذاکرات برای موافقت نامه اتحاد بعد از طرح قانون سه ساله سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است. (در حالی که بروکسل آن را طرحی پنج ساله می‌داند.)

همچنین گرجستان عضویت در ناتو را به عنوان هدفی کوتاه مدت مورد توجه قرار می‌دهد.

ب: چالش‌های اتحادیه اروپا در گرجستان

منازعات به بن بست رسیده، فقدان سابقه فرهنگی و سیاسی دموکراتیک و تجربه طولانی حکومت توتالیتر در منطقه، ضعف نهادهای مدنی، تشمتت در فرایند هویت سازی ملی و نزاع موجود بین هویت‌های ملی منطقه‌ای و تضاد منافع آنان و در ابعاد خارجی رقابت بین قدرت‌های بین‌المللی و به ویژه حضور روسیه در منطقه که این محیط را در قالب سیاست خارج نزدیک خود تعریف نموده است، از جمله معضلات و چالش‌های جدی اتحادیه اروپا در این منطقه است. به عبارت دیگر اتحادیه همزمان مجبور است با روسیه مناسبات گسترده به ویژه در حوزه انرژی را توسعه دهد، در حالی که مداخلات روسیه در امور داخلی گرجستان در تضاد با سیاست حمایت از تمامیت ارضی گرجستان قرار دارد، اما اتحادیه اروپا امکان جلوگیری از سیاست‌های اعمالی روسیه در این کشور را ندارد.

در حوزه امنیتی ناتو و طرح مشارکت برای صلح و مانورهای این سازمان در کشورهای منطقه از جمله گرجستان به طور مکرر مورد انتقاد روسیه قرار می‌گیرد و روسیه نوعی حق وتو برای خویش در منطقه قائل است. در حالی که گرجستان با استناد به حق حاکمیت ملی خود، همکاری با ناتو و حتی عضویت در آن را حق آشکار خود می‌داند. به رسمیت شناخته شدن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی از سوی روسیه و مخالفت اتحادیه اروپا با آن بعد از جنگ آگوست سال ۲۰۰۸ بین روسیه و گرجستان معضلات پیش روی اتحادیه اروپا در این منطقه را بیش از پیش آشکار ساخت.

از سوی دیگر روابط روسیه با اعضاء ناتو، بدنبال پذیرش نسبی عضویت اوکراین و گرجستان در اجلاس سران ناتو در آوریل ۲۰۰۸ در بخارست رومانی رو به تیرگی گذاشته است. در حالی که آمریکا برای هموار شدن مسیر عضویت این دو کشور فشار می‌آورد، دیگر اعضاء ناتو خواهان تعیین یک دوره زمانی برای پذیرش عضویت آنها می‌باشند. از سوی دیگر روابط روسیه با غرب با به رسمیت شناخته شدن استقلال کوزوو از سوی غرب که روسیه مخالف آن بود، بیش از پیش تیره‌تر گردیده است. بعضی از دیپلمات‌های غربی بر این اعتقادند که مسکو خواهان آن است که در صورت گسترش عضویت ناتو به این کشورها از

طریق بی‌ثبات کردن گرجستان این عضویت را غیر ممکن سازد، بنابراین طرح‌های اخیر اعلام شده روسیه برای شناسایی رسمی و گسترش روابط آن با آبخازیا و اوستیای جنوبی در راستای مقابله با اهداف ناتو تحلیل می‌گردد. در واقع اقدامات مسکو را بایستی در این راستا تحلیل نمود که در مقابل اقدامات غرب بویژه آمریکا برای محدود کردن نفوذ روسیه در منطقه قفقاز است. به طوری که گام‌های چهارگانه غرب در این خصوص بدین گونه می‌باشد:

گام اول) کشورهای اروپایی؛

گام دوم) سپر دفاع موشکی و سایت‌های راداری چک و لهستان؛

گام سوم) مناقشه قفقاز و گام؛

گام چهارم) آسیای مرکزی می‌باشد. در این راستا مقامات پنتاگون بر این اعتقادند که اقدامات اعضاء ناتو برای محدود کردن حضور روسیه در کشورهای عضو گوام که در برگیرنده کشورهای حامی کاهش سلطه و نفوذ روسیه در مجموعه جمهوری‌های جدا شده از شوروی است، یکی دیگر از عوامل فشار روسیه بر گرجستان می‌باشد. (Castle, 2008)

لذا از نظر تحلیل‌گران غربی اتحادیه اروپا می‌تواند از سیاست همسایگی برای تضمین اینکه گرجستان در مسیری دموکراتیک باقی خواهد ماند استفاده کند و همچنین از تقاضای گرجستان برای پیوستن به ناتو از طریق تشویق این کشور به در پیش گرفتن روش‌های صلح آمیز برای حل منازعات به بن بست رسیده حمایت کند. (Leonard and Grant, 2005)

روسیه به عنوان چالشی جدی در روابط اتحادیه اروپا و گرجستان

صرف نظر از رقابت تاریخی غرب با روسیه برای نفوذ و حضور در قفقاز جنوبی، جنگ اوت ۲۰۰۸ روسیه و گرجستان چالش‌های جدی را برای علایق اتحادیه اروپا در این منطقه ایجاد کرده است. به طوری که حمله روسیه به گرجستان قبل از آن که نشانه‌ای از عدم توازن قوا باشد، دلیلی بر تغییر توازن قوا در منطقه است. زیرا که آمریکا درگیر در عراق و افغانستان، بی‌ثباتی‌های سیاسی در پاکستان و وجود پرونده هسته‌ای ایران، این کشور را فاقد نیروی استراتژیک زمینی برای نمایش حضور قدرتمند در گرجستان نموده است. لذا به نظر می‌رسد اهداف روسیه از تهاجم نظامی به گرجستان را می‌توان در موارد زیر اشاره نمود: (گزارش راهبردی، ش ۱۹۵)

۱. مخالفت روسیه با جهان تک قطبی که مد نظر نومحافظه کاران بوده است.

۲. نگرانی روسیه از گسترش ناتو به شرق، که این حمله می‌تواند به عنوان هشدار به کشورهای مشترک المنافع (سی. ای. اس) و نیز غرب باشد که روسیه در دفاع از منافع حیاتی خود عقب نشینی نخواهد کرد.

۳. ناامن نمودن مسیر انتقال انرژی دریای خزر به اروپا، دارای این سیگنال بوده است که کشورهای صاحب انرژی بر روسیه به عنوان یک شریک استراتژیک ملاحظه نمایند، که این امر بر وابستگی بیشتر اروپا به انرژی روسیه می‌افزاید.

۴. نشان دادن ناتوانی آمریکا و اروپا در نزد دولت‌های سی. ای. اس. که آمریکا قادر به اقدام عملی در حمایت از گرجستان نبوده است.

۵. استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی با بهره‌گیری از فرمول استقلال کوزوو. همچنین اگر این گزاره را بپذیریم که زمانی که از واژه غرب استفاده می‌نماییم از مجموعه‌ای واحد یاد نکرده، بلکه ترکیبی از آمریکا، اروپا و ناتو می‌باشد، سیاست روسیه باعث گردید که در این بحران این مجموعه واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان دهند، به طوری که آمریکا از کلیه ابزارهای تبلیغاتی خود همانند اعزام ناوهای جنگی به دریای سیاه و سواحل گرجستان، استفاده از دیپلماسی وسیع با اعزام رایس و چنی به منطقه، حمایت‌های سیاسی و رسانه‌ای فراوان و تلاش برای عضویت گرجستان در ناتو استفاده نمود، (هر چند که هیچ‌گونه اقدام عملی خاصی را در بحران اوستیا انجام نداد). ولیکن سیاست کشورهای اروپایی در دو جبهه متفاوت پیگیری گردید.

تعمیق بحران اقتصادی جهانی در گرجستان نیز که پیش از این نیز بواسطه جنگ مزبور وضعیت مناسبی نداشت، منجر به وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی و افزایش فقر، بیکاری و تنش‌های سیاسی دامنه‌دار گردیده است. به نحوی که در اوایل آوریل ۲۰۰۹ مخالفان ساکاشویلی (به طور ضمنی مورد حمایت روسیه قرار دارند) به خیابان‌ها ریخته و اعلام کرده‌اند تا استعفاء وی به تظاهرات ادامه خواهند داد. این وضعیت شکنندگی اوضاع سیاسی و اقتصادی این کشور را نشان می‌دهد و حتی در صورت روی کار آمدن یک دولت جدید نیز می‌تواند تداوم یابد و مناسبات خارجی گرجستان را نیز تحت تاثیر قرار دهد. این بی‌ثباتی در روند سیاست همسایگی اروپا چشم انداز مثبتی تلقی نمی‌گردد، زیرا صلح و ثبات در قفقاز جنوبی به عنوان همسایگان شرقی اتحادیه اروپا از اهمیت بسزایی برخوردار

است. همچنین حمایت ضمنی روسیه از مخالفان ساکاشویلی چشم انداز ثبات در گرجستان را تیره تر نموده است.

بخش سوم) الف: منافع اتحادیه اروپا در جمهوری آذربایجان

هدف اصلی همکاری میان اتحادیه و جمهوری آذربایجان توسعه فزاینده روابط نزدیک و فزاینده از سطح همکاری به سطح همگرایی اقتصادی و سیاسی قوی‌تر است. اصولاً در چارچوب موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و اخیراً سیاست همسایگی اروپایی کمک‌های کمیسیون اروپایی در این دوره در برگیرنده این استراتژی است که از دستور کار اصلاحات در آذربایجان بر پایه اهداف تعریف شده در موافقت‌نامه مشارکت و همکاری که از ژوئن ۱۹۹۹ اجرایی شده است و طرح اقدام سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶ حمایت کند. که این اهداف در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

اهداف همگرایی اتحادیه اروپا با جمهوری آذربایجان

اتحادیه اروپا منافع و ارزش‌های خود را از طریق اعمال اهداف و منافع خود به عنوان یک بازیگر سیاسی و اقتصادی در جهان تشویق می‌کند و با استفاده از ابزارهای متعدد که طیفی از سیاست امنیتی و خارجی مشترک، تجارت و کمک در بعد خارجی و سیاست‌های داخلی پیگیری می‌کند. اتحادیه اروپا در سطح جهانی موفقیت، همبستگی، امنیت و توسعه پایدار را تشویق می‌نماید و همچنین هم زمان اتحادیه به نیاز برای رهیافت‌های مختلف که وابسته به زمینه و نیازهای خاص هر کشور خاصی است تأکید می‌کند. این اهداف همچنین در مورد آذربایجان نیز اعمال می‌گردد و برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره کمک خواهد کرد.

تعیین روابط با اتحادیه اروپا یکی از اولویت‌های اصلی دولت آذربایجان است. در راستای حمایت از این تلاش‌ها، کمیته بین دولتی سال گذشته به دستور رئیس‌جمهور ایجاد شد. جمهوری آذربایجان قصد دارد سیاست همگرایی با اتحادیه اروپا را از طریق اجرای موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و طرح اقدام سیاست همسایگی اروپا تعقیب نماید که روابط فزاینده در حوزه انرژی میان اتحادیه اروپا و آذربایجان نقش مهمی در این چارچوب ایفا می‌کند. (European Neighborhood and partnership Instrument Azerbaijan, 2006)

در همین راستا سیاست تجاری این کشور بخش مهمی از استراتژی اقتصادی دولت است. ساختار ویژه صادرات این کشور آن را ملزم می‌نماید که اقتصاد خود را متنوع سازد و مقررات مرتبط با تجارت و بوروکراسی اداری خود را بهبود بخشید. از همین چشم انداز پیشرفت آرام برای کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی علی‌رغم این حقیقت که ارمنستان با رای منفی می‌تواند عضویت جمهوری آذربایجان در این سازمان را دچار مشکل نماید، اولویت این کشور است. اگرچه جمهوری آذربایجان مذاکرات طرح اقدام عضویت در ناتو را که عنصر اساسی برای دسترسی به این سازمان می‌باشد را هنوز شروع نکرده است، اما رهبری این کشور سودای پیوستن به ناتو را دارد. آذربایجان به روند طرح مشارکت برای صلح در سال ۱۹۹۴ پیوسته است و مهم است همکاری خود را با ناتو از طریق اجراء طرح ابتکار پیگیری نموده و کمک بیشتری به امنیت و ثبات در کل حوزه یورواتلانتیک ارائه کند.

اهمیت اقتصادی و فرهنگی جمهوری آذربایجان

احترام برای دموکراسی، اصول حقوق بین الملل، حقوق بشر و اصول اقتصاد آزاد عناصر ذاتی در مشارکت اتحادیه اروپا و جمهوری آذربایجان می‌باشند. پس از آن موافقت نامه مشارکت و همکاری چهارچوب قانونی را برای روابط دو جانبه جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا در حوزه‌های گفتگو سیاسی، تجارت، سرمایه‌گذاری، اقتصاد، قانون گذاری و همکاری فرهنگی فراهم کرده است.

در راستای طرح اقدام سیاست همسایگی اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۰۶ و با هدف استقرار و تثبیت مشارکت در حوزه انرژی طرفین یادداشت تفاهمی را به امضاء رساندند. این یادداشت تفاهم نمایان گر قانون اساسی دوطرفه برای تقویت روابط انرژی اتحادیه اروپا با باکو است که همزمان به این کشور کمک می‌کند بخش انرژی داخلی خود را مدرنیزه، اصلاح و کارایی بیشتری به آن بخشد. افزایش استخراج منابع نفت و گاز به جمهوری آذربایجان اجازه داده است، رشد اقتصاد کلان موثری را در سال‌های گذشته بدست آورد به طوری که تولید ناخالص داخلی آن در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ با ۲۶/۴٪ و ۳۶/۶٪ بالاترین رشد در جهان بوده است. تلاش‌های بیشتر برای کاهش سطح فقر در جمهوری آذربایجان با توسعه بخش غیر نفتی اقتصاد و کاهش عدم توازن‌های اقتصادی و اجتماعی بین باکو و دیگر بخش‌های کشور هنوز به عنوان موضوعی حیاتی مورد توجه می‌باشد. به نظر می‌رسد چالش‌های اساسی برای دولت

الهام علی‌اف در طی چند سال آینده تقویت ساختارهای دموکراتیک و بهبود احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون و آزادی‌های اساسی شامل بخش رسانه‌ها می‌باشد. کلیه این چالش‌ها در طرح اقدام سیاست همسایگی اروپا برای این کشور مدنظر قرار گرفته است. در همین راستا انتخابات ریاست جمهوری که در اکتبر سال ۲۰۰۸ برگزار گردید محکی برای تکامل دموکراتیک در این کشور بود. (European Commission External Relations, 2008)

هر چند برگزاری رفراندوم برداشتن محدودیت انتخاب یک نفر بیش از دو دوره ریاست جمهوری در قانون اساسی جمهوری آذربایجان در ۲۸ مارس ۲۰۰۸ و تصویب آن علی‌رغم مناسبات گسترده میان اتحادیه اروپا و جمهوری آذربایجان اقدامی برخلاف روند اصلاحات دموکراتیک مورد نظر اتحادیه می‌باشد.

با این وجود اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست همسایگی خود با جمهوری آذربایجان در قالب کمک‌های فنی برای کشورهای مستقل مشترک المنافع در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۲ و در راستای تداوم حمایت از اصلاحات نهادی، قانونی و اداری و حمایت از تداوم نتایج وضعیت گذار اجتماعی حمایت‌های خود را ادامه داده است.

از طرفی ذخایر اثبات شده گاز جمهوری آذربایجان حدود ۱/۵ تریلیون متر مکعب برآورد می‌شود که مصرف داخلی آن سالانه ۱۲ تا ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال است. بنابراین طبیعی است که جمهوری آذربایجان بدنبال بدست آوردن حداکثر سود از صادرات گاز خود که در سال ۲۰۰۷ شروع شده است، باشد.

در همین راستا در زمان دیدار الهام علی‌اف از بروکسل در نوامبر ۲۰۰۶ جمهوری آذربایجان و اتحادیه اروپا، یادداشت تفاهم مشارکت استراتژیک در حوزه انرژی را به امضاء رساندند و بدنبال آن الهام علی‌اف در اعلام سیاست خارجی خود در اوایل سال ۲۰۰۸ اظهار داشت که در سال گذشته این جمهوری ارسال گاز به گرجستان، ترکیه و یونان را آغاز کرده است و همچنین بصورت فعال به پروژه ناباکو جهت صادرات گاز به کشورهای عضو اتحادیه اروپا از طریق سه کشور مذکور پیوسته است. سخنگوی علی‌اف وزیر صنایع و انرژی جمهوری آذربایجان اظهار داشته است که گاز این جمهوری بایستی به قیمت‌های جهانی فروخته شود. در واقع در سال ۲۰۰۷ گاز استخراج شده از حوزه شاه‌دنیز به قیمت ۱۲۰ دلار برای هر ۱۰۰۰ متر مکعب به ترکیه فروخته شده و گرجستان سال گذشته سه دهم میلیارد متر مکعب از گاز این حوزه را با قیمت ترجیحی ۶۳ دلار برای ۱۰۰۰ متر مکعب دریافت کرده است. (Mishin, 2008)

با تفاسیر ارائه شده، نهایی شدن ارسال گاز به خط لوله ناباکو از سوی جمهوری آذربایجان منوط به اجرایی شدن مرحله دوم پروژه شاه دنیز می‌باشد که در آن صورت حجم تولید این حوزه به ۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۶ خواهد رسید. (Mishin, 2008)

ب: چالش‌های اتحادیه اروپا در جمهوری آذربایجان

علی‌رغم سیاست همسایگی اتحادیه اروپا، پرداختن به نقش روسیه و تاثیر آن بر این منطقه برای درک بهتر فرصت‌ها و چالش‌های سیاست همسایگی و فهم آن در این چارچوب ضروری است. روسیه نقش عمده‌ای در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان ایفا می‌کند و بصورت گسترده‌تر در قفقاز جنوبی که شامل اختلافات منطقه‌ای مانند تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و منازعه قره باغ می‌باشد درگیر است. علاوه بر آن حدود یک چهارم جمعیت این جمهوری در روسیه کار و زندگی می‌کنند. با توجه به محذورات امنیتی جمهوری آذربایجان، تداوم سنت رابطه خوب با روسیه یک الزام حیاتی برای سیاست خارجی آذربایجان است. روسیه به عنوان کشوری که در حدود دویست سال بر منطقه قفقاز جنوبی حاکم بوده است بعد از فروپاشی شوروی نیز تلاش می‌کند با استفاده از معضل منازعات به بن بست رسیده از جمله قره باغ، اوستیای جنوبی و آبخازیا نفوذ خود را در منطقه تا حد ممکن حفظ کند، زیرا اهمیت منطقه قفقاز جنوبی برای آمریکا و اتحادیه اروپا و نفوذ آنان در این منطقه عملاً به معنای کاهش نفوذ روسیه در این منطقه است و روسیه با استفاده از توانایی‌های امنیتی، جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی خود نقش انکار ناپذیری در تحولات این منطقه بازی می‌کند. به عبارت دیگر بدون درک واقع بینانه از نقش روسیه در این منطقه تحلیل تحولات جاری در قفقاز جنوبی امکان پذیر نخواهد بود. به همین دلیل روسیه در راستای حل منازعات به بن بست رسیده در هر نوع طرحی به طور منطقی یکی از طرف‌های اصلی می‌باشد.

در عین حال جمهوری آذربایجان روابط خوبی با ایالات متحده برقرار کرده است. آخرین دیدار الهام علی‌اف از آمریکا در آوریل ۲۰۰۶ به عنوان تأییدی بر اهمیت فزاینده این کشور برای واشنگتن به عنوان متحد استراتژیک در منطقه و همچنین تولید کننده مهم انرژی و از سوی دیگر برای دور کردن آن از ایران می‌تواند از سوی واشنگتن مورد توجه قرار گیرد. (Brzenziski, 1997: 139) روابط جمهوری آذربایجان با اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو آن همچنین بخش مهمی از روابط خارجی آذربایجان است که این به خاطر قصد صریح باکو

برای تعقیب یک سیاست همگرایی بیشتر در درون ساختارهای یورو آتلانتیک است. قرار گرفتن آذربایجان در درون سیاست همسایگی اتحادیه اروپا (ژوئن ۲۰۰۴) با جدیت از سوی آذربایجان مورد استقبال قرار گرفته است، زیرا این تحول تصدیق پیشرفتی است که در حرکت به سوی همگرایی با اتحادیه اروپا و از سویی دیگر کاستن از نفوذ روسیه تا آن زمان حاصل شده است.

تداوم روابط همسایگی دوستانه با گرجستان که سرزمین آن کشور اهمیت فزاینده‌ای برای باکو، جهت انتقال نفت و گاز خود به بازارهای غربی دارد، همیشه مورد تاکید آذربایجان بوده است. از طرفی مناسبات آذربایجان در سال‌های پیش رو با همسایگان خود در دریای خزر بویژه ترکمنستان و قزاقستان در راستای انتقال منابع انرژی این دو کشور از طریق آذربایجان به اروپا و آمریکا پیگیری می‌شود و احداث زیرساخت‌هایی که این منابع را بتواند انتقال دهد، مورد توجه سه کشور قرار گرفته است. در نهایت دولت آذربایجان تلاش می‌کند روابط خود را با ایران حفظ کند. همکاری در حوزه‌های حمل و نقل، تجارت و مبادله انرژی اهم از نفت و گاز و نیاز جمهوری آذربایجان برای حمایت ایران از موضع این کشور در منازعه قره‌باغ، فاکتورهای ضروری هستند. جمهوری آذربایجان در فرایندی عمل‌گرایانه بدنبال بهره‌مندی از روابط خوب با ایران است و این استراتژی می‌باشد که سیاست خارجی آذربایجان تحت شرایط جاری آن را پیگیری می‌کند.

از طرفی منازعه جمهوری آذربایجان با ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ به عنوان مهم‌ترین مانع برای توسعه و کمک به ثبات کل منطقه باقی مانده است. در جولای ۲۰۰۳ ایجاد پست نماینده ویژه اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی نشان‌دهنده مسیری برای تسهیل گفتگو بین اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه بوده است. لازم به توجه است که نماینده ویژه اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی با روسای گروه مینسک شامل آمریکا، فرانسه و روسیه از نزدیک همکاری می‌کند. به عبارت دیگر از نظر اتحادیه اروپا و سیاست همسایگی آن تعمیق اصلاحات دمکراتیک سیاسی و اقتصادی، احترام به حقوق بشر در بعد سیاست خارجی و حل مسالمت‌آمیز منازعه قره‌باغ مهم‌ترین چالش‌های موجود در روابط طرفین است که حل این معضلات می‌تواند به تعمیق روابط طرفین و برآورده شدن منافع آنان بیانجامد.

بخش چهارم) الف: منافع اتحادیه اروپا در ارمنستان

روابط رسمی ارمنستان و اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ از طریق موافقت نامه مشارکت و همکاری که در سال ۱۹۹۹ اجرایی شد، آغاز گردید. طرح اقدام عمل سیاست همسایگی اروپا در خصوص روابط اتحادیه اروپایی - ارمنی در نوامبر ۲۰۰۶ برای یک دوره پنج ساله پذیرفته شده است. سپس اجرای آن بر اساس خط و مشی اجرایی یکساله تداوم یافته است که مجموعه‌ای همه جانبه‌ای از اولویت‌ها و زمان بندی در سال ۲۰۰۷ می‌باشد، و آن هم مبتنی بر اولویت‌هایی است که به طور مشترک میان اتحادیه اروپا و ارمنستان مورد توافق قرار گرفته است. در پایان سال ۲۰۰۷ ارزیابی کلی از روابط طرفین و همکاری نهادینه شده از طریق شورای همکاری، کمیته همکاری و کمیته فرعی اتحادیه اروپا - ارمنستان در خصوص تجارت و موضوعات قانونی مرتبط، طرفین را قادر ساخته است، مناسبات را پیش برده و اجراء طرح اقدام سیاست همسایگی اروپا را به شکل نزدیکی پیگیری نمایند.

همچنین ارمنستان در چندین حوزه مهم در اجرایی کردن طرح اقدام سیاست همسایگی اتحادیه اروپا گام برداشته است. علی‌رغم تاخیرهایی که انتخابات پارلمانی در می ۲۰۰۷ و مشکلات ناشی از همکاری داخلی بین وزرا ارمنی باعث آن شده است، پیشرفت خوبی در بعضی از حوزه‌های خاص همچون اصلاحات قضایی و اداره انتخابات حاصل شده است. با این حال درگیری‌های پیش آمده بعد از انتخابات ریاست جمهوری در فوریه ۲۰۰۸ باعث ایجاد نگرانی‌هایی بویژه به دلیل اعلام وضعیت فوق العاده در این کشور گردید و این تحولات ضرورت بهبود وضعیت حقوق بشر علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در سال ۲۰۰۷ حاصل شده است را نشان داد. موضوع فساد هنوز نیازمند آن است که مورد توجه قرار گیرد و اتحادیه اروپا در خصوص رعایت استانداردهای دموکراتیک و عادلانه برای برگزاری انتخابات و حتی قبل از انتخابات و همچنین بهبود وضع حقوق بشر از جمله حوزه‌هایی است که مکرراً نمایندگان خود را جهت بررسی و مذاکره موارد مذکور به ارمنستان گسیل داشته است. زیرا رعایت و به عبارت دیگر بهبود استانداردهای مذکور از پیش شرط‌های تداوم کمک‌های فنی و اقتصادی اتحادیه اروپا به ارمنستان و بطور کلی قرار گرفتن هر سه کشور قفقاز جنوبی در چارچوب سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است. (The European Commission s Delegation, 2008)

ارمنستان چارچوب کلان اقتصادی خویش را در سال ۲۰۰۷ با همکاری موسسات مالی بین‌المللی تدوین نموده است که چالش مهم آن کسری در موازنه تجارت خارجی است.

هر چند که اقتصاد ارمنستان به رشد قوی در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ ادامه داده است و برای هشتمین سال رشد دو رقمی را حفظ و تداوم بخشیده است و بهبود درآمدهای دریافتی باعث کسری بودجه کمتر گردیده است. ارمنستان همچنین فضای تجاری خود را بهبود بخشیده است، علی‌رغم آنکه نسبت به سال‌های قبل سرعت بهبود فضای تجاری کاهش یافته است و تلاش‌های بیشتری برای بهبود مقررات گمرکی مورد نیاز است. با عنایت به پیشرفت قابل ملاحظه در کاهش فقر، تلاش‌ها در این حوزه و حوزه تأمین اجتماعی بایستی تداوم یابد، زیرا هنوز درصد جمعیت زیر خط فقر بسیار قابل ملاحظه است و تداوم سیاست‌های معطوف به رشد اقتصادی و همزمان کاهش فقر ضروری است.

گزارش استراتژیک کشور ارمنستان که از سوی اتحادیه اروپا برای سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۷ در نظر گرفته شده است، به دنبال آن است که تحت سند جدید همسایگی و مشارکت به ارمنستان کمک کند. جهت کمک به موفقیت و سیاست همسایگی خوب که شامل اتحادیه اروپا و کشورهای شریک آن می‌باشد، حدوداً ۹۸/۴ میلیون یورو برای کمک به ارمنستان در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۷ در قالب سند مشارکت و همسایگی اروپایی اختصاص داده شده است. در واقع هدف اصلی اتحادیه اروپا و ارمنستان در این مرحله توسعه فزاینده روابط نزدیک بین اتحادیه اروپا و ارمنستان است، که فراتر رفتن از سطوح گذشته همکاری در راستای تعمیق مناسبات دوجانبه و همسویی سیاسی از طریق تداوم رشد اقتصادی و بدست آوردن نتایج پایدار در پایین آوردن فقر می‌باشد. مساعدت کمیسیون اروپایی از طریق این استراتژی و دسترسی به اهداف ذکر شده در بالا را کمک خواهد کرد. تحت برنامه شاخص ملی برای سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۷ که حمایت از آن اولویت‌ها در قالب سه استراتژی اولویت‌دار از سوی اتحادیه اروپا طبقه بندی شده است:

۱. تقویت ساختارهای دمکراتیک و حکومت خوب

۲. حمایت بیشتر از اصلاحات قانونمند و منظم و ظرفیت سازی اداری

۳. حمایت از تلاش‌ها در راستای کاهش فقر

این گزارش استراتژیک برای ارمنستان از طریق مشاوره با مقامات ارمنستانی که اولویت‌های ملی آنها را خود تعیین نموده اند، تنظیم شده است. دولت‌های عضو و اعانه دهندگان دیگر و سازمان‌های وابسته به جامعه مدنی ارمنستان در طی فرایند تهیه این پیش نویس مورد مشورت قرار گرفته اند.

ب: چالش‌های اتحادیه اروپا در ارمنستان

یکی از نشانه‌های کلیدی سیاست استراتژی امنیتی اروپایی نیاز اتحادیه اروپا برای توسعه حلقه‌ای از کشورهای دارای حکومت خوب در شرق اتحادیه و در مرزهای مدیترانه‌ای آن است که اتحادیه اروپا می‌تواند از روابط همکاری نزدیک با آنها بهره‌مند گردد. مضافاً این استراتژی امنیتی آشکارا به اهمیت توسعه نظم بین‌المللی مبتنی بر چند جانبه‌گرایی موثر، تأکید دارد. در این چارچوب اهداف اتحادیه اروپا ثبات بخشیدن به سراسر منطقه قفقاز جنوبی و مرتبط کردن اهمیت گسترده حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره باغ به آن است و بصورت فعال اتحادیه اروپا در تلاش‌های جاری برای رسیدن به یک راه حل فعال است و در این راستا دفاتر نمایندگی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی تاسیس شده است. (Nuriyev, 2007: 3)

یکی از چالش‌های عمده سیاست خارجی ارمنستان که اتحادیه اروپا نیز به آن توجه ویژه دارد، چالش تأمین عرضه انرژی است. زیرا ارمنستان تقریباً فاقد هر نوع منبع انرژی داخلی است، موضوعی که یکی از نگرانی‌های عمده مقامات ارمنستانی است و آنها را در جستجوی شیوه‌های تنوع بخشیدن به عرضه انرژی از طریق توسعه منابع انرژی جایگزین سوق داده است. استفاده مداوم از انرژی هسته‌ای و تنوع بخشیدن به عرضه گاز از طریق ایجاد یک خط لوله گاز با ایران در همین راستا معنی می‌یابد. علی‌رغم این سیاست متنوع سازی، به نظر می‌رسد که بخش انرژی در ارمنستان به طور فزاینده‌ای تحت نفوذ روسیه باقی مانده است. وضعیت امنیتی، اقتصادی و سیاسی ارمنستان به شدت با وضعیت جغرافیایی آن در ارتباط است. بنابراین پیشرفت آینده ارمنستان با بهبود روابط با همسایگان، باز نمودن مجدد مرزهای بسته و حل صلح‌آمیز منازعه قره باغ در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد. این موضوعات توسعه داخلی ارمنستان را در بخش‌های اجتماعی - اقتصادی و نهادی محدود می‌کند. بطوری که این وضعیت سیاسی و اقتصادی و امنیتی حضور ارمنستان در پروژه‌های همکاری اقتصادی و تجاری و حمل و نقلی منطقه‌ای مورد حمایت اتحادیه اروپا را دچار مانع اساسی کرده است.

نظام سیاسی داخلی ارمنستان، جمهوری مبتنی بر نظام ریاستی است که اصل اساسی آن تفکیک قوا است. قانون اساسی در سال ۱۹۹۵ تصویب شده ولی اصلاحات قابل توجهی در پایان سال ۲۰۰۵ در آن به عمل آمده است که این اصلاحات قانونی یکی از تعهدات اصلی به عهده گرفته شده از سوی ارمنستان برای دسترسی به شورای اروپا بوده است. این اصلاحات برای انجام بهتر توزیع قدرت به شکلی متوازن در درون ساختار دولت مرکزی است و به همان اندازه

افزایش استقلال قوه قضاییه و رسانه‌ها و شاخه‌های اجرایی دولت محلی می‌باشد. این اصلاحات از سوی سازمان امنیت و همکاری اتحادیه اروپا و کمیسیون ونیس و شورای اروپا مثبت ارزیابی شده است، اما بر ضرورت نیاز به تداوم اصلاحات در راستای موفقیت بیشتر تأکید گردیده است. (European Commission External Relations, 2008) علی‌رغم اصلاحات مذکور با توجه به پیشینه نظام متمرکز کمونیستی در این کشور فرهنگ سیاسی دموکراتیک و زمینه کامل برای فعالیت‌های مدنی هنوز فراهم نشده است و به همین جهت فساد در سطح گسترده‌ای در این کشور وجود دارد. به نحوی که انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی در ارمنستان در سال‌های اخیر از جنبه‌های کلیدی از نظر سازمان امنیت و همکاری اروپا و شورای اروپا فاقد رعایت استانداردهای بین‌المللی برای انتخابات دموکراتیک اعلام شده است. این ضعف‌های دموکراتیک در برگزاری انتخابات منجر به اعتراض مخالفان و سرکوب آن از سوی حزب حاکم گردیده است. همین روند فقدان استانداردهای بین‌المللی در انتخابات ریاست جمهوری فوریه ۲۰۰۸ نیز تکرار شد و منجر به درگیری‌های خیابانی پلیس با مخالفین دولت گردید.

در چند سال اخیر ائتلاف حاکم اصلاحات ساختاری ضروری را برای ایجاد یک دولت دموکراتیک و اقتصاد بازار رقابتی وعده داده‌اند، اگر چه پیشرفت‌هایی در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی در چند سال اخیر حاصل شده است، اما در حوزه سیاسی و تغییرات ساختاری در آن هیچ دستاوردی قابل توجهی حاصل نشده است. بنابراین اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی، برچیدن فقر، تشویق حمایت از حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر، مبارزه بر علیه فساد هنوز چالش‌های اساسی ارمنستان در سال‌های آتی برای هماهنگی با شاخص‌های سیاست همسایگی اتحادیه اروپا است.

روابط خارجی ارمنستان با همسایگان خود و تاثیر آن بر سیاست همسایگی

اتحادیه اروپا

ارمنستان و آذربایجان

دستورکار سیاست خارجی ارمنستان تحت تأثیر قاطع منازعه قره‌باغ و تلاش‌ها برای حل مسالمت‌آمیز این منازعه با حمایت میانجی‌گران گروه مینسک^۱ سازمان امنیت و

^۱. Minsk

همکاری اروپا است. دیدارهای مکرر روسای جمهور آذربایجان و ارمنستان با میانجیگری گروه مذکور برای حل مسالمت آمیز این منازعه ترتیب داده می‌شود، اما مواضع سخت طرفین که در تضاد با خواست طرف مقابل قرار دارد، جامعه بین‌المللی را از حل صلح آمیز این منازعه تا حدودی ناامید کرده است. این دیدارها در سطوح وزرای امور خارجه نیز انجام می‌گیرد. اصرار ارمنستان بر اعطاء استقلال به منطقه قره باغ و مشروط کردن خروج ارتش ارمنستان از هفت شهرستان اطراف منطقه خود مختار قره‌باغ که توسط ارمنستان اشغال گردیده است و در تضاد با آن اصرار جمهوری آذربایجان بر حفظ منطقه خود مختار قره باغ در چارچوب تمامیت ارضی آذربایجان و اعطاء حداکثر خودمختاری به آن، مذاکرات طرفین را علی‌رغم تلاش‌های میانجیگران بین‌المللی بی‌نتیجه گذاشته است.

همچنین در ادامه مذاکرات رودرویی روسای جمهوری دو کشور، رئیس‌جمهور ارمنستان سرژ سرکسیان و الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان تاکنون چندین بار با همدیگر دیدار کرده‌اند، هر چند نتیجه خاصی از این دیدارها حاصل نشده ولی طرفین ضمن ابراز رضایت از دیدارها در خصوص تداوم ملاقات‌ها با یکدیگر توافق کرده‌اند. با توجه به افزایش شدید درآمدهای نفتی آذربایجان و بهبود سریع وضعیت اقتصادی آن کشور که منجر به افزایش توان ملی آذربایجان در مقایسه با ارمنستان می‌گردد، ارمنستان به لحاظ اقتصادی تحت فشار بیشتری برای حل منازعه قره‌باغ قرار دارد، اما عقب‌نشینی ارمنستان از هفت شهرستان اطراف قره باغ بدون گرفتن امتیازی از آذربایجان در خصوص به رسمیت شناختن حاکمیت جمهوری خودخوانده قره باغ عملاً تنها ابزار چانه زنی ارمنستان را از دست آن خواهد ستاند. از سویی دیگر تداوم اشغال حدود ۲۰٪ خاک آذربایجان از سوی ارمنستان و موضع جمهوری آذربایجان دایر بر خروج نیروهای ارمنی از تمامی سرزمین‌های آذربایجانی و سپس مذاکره برسر وضعیت حقوقی قره باغ آن هم صرفاً در قالب تمامیت ارضی آذربایجان و با ارائه خودمختاری حداکثری داخلی به ارامنه قره باغ عملاً وضعیت دشواری را در مذاکرات طرفین پیش آورده است که خروج از این وضعیت برای طرفین آسان نخواهد بود.

تحول در مناسبات ترکیه و ارمنستان و همچنین تحول در مناسبات روسیه و آذربایجان و مناسبات ترکیه و آذربایجان می‌تواند به تغییر موازنه نیروها در قفقاز منجر شود. تحولات بعد از جنگ آگوست ۲۰۰۸ بین روسیه و گرجستان، بار دیگر تحولاتی را برای حل بحران قره باغ سبب شده است، اما تا رسیدن به نتیجه عملی برای حل بحران قره باغ هنوز

راه درازی در پیش است زیرا منافع هم جمهوری آذربایجان و ارمنستان و هم قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای همسویی قابل توجهی نیست.

ارمنستان و ترکیه

روابط ارمنستان و ترکیه به قرون قبل یعنی دوره سلطه امپراتوری عثمانی بر ارمنه باز می‌گردد. این روابط تنش آلود با رقابت‌های روسیه و عثمانی در قرن ۱۹ بر سر تسلط بر منطقه قفقاز و حمایت ارمنه از روسیه مسیحی در مقابل عثمانی‌های مسلمان که حاکم بر ارمنه بوده‌اند موجب تشدید خصومت‌ها بین دو ملت گردید و در اواخر قرن ۱۹ به سرکوب ارمنه و بویژه در جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۱۵ که ارمنه از آن به عنوان قتل عام آنها از سوی ارتش عثمانی یاد می‌کنند، خصومت تاریخی و دیرینه‌ای را بین دو ملت ایجاد کرده است. پس از استقلال مجدد ارمنستان در سال ۱۹۹۱، روابط ترکیه و ارمنستان به شکلی دیپلماتیک هیچ زمان برقرار نشد و دو کشور همچنان فاقد سفارتخانه در خاک یکدیگر می‌باشند. دلیل آن بطور مشخص آن است که دولت ارمنستان خواهان به رسمیت شناختن وقایع سال ۱۹۱۵ به عنوان پاکسازی نژادی از سوی دولت ترکیه می‌باشد و در صحنه بین‌الملل نیز تلاش می‌کند این واقعه را به عنوان اولین پاکسازی نژادی در تاریخ جدید بشر به رسمیت بشناساند.

موضوع دیگری که به تشدید تنش و تداوم فقدان روابط رسمی میان دو کشور کمک کرده است، اشغال حدود ۲۰٪ خاک آذربایجان از سوی ارمنستان می‌باشد. دولت ترکیه دو شرط عمده را برای برقراری روابط رسمی و بازگشایی مرزها با ارمنستان بطور مکرر اعلام کرده است که یکی صرف نظر کردن از تبلیغات در خصوص وقایع سال ۱۹۱۵ به عنوان پاکسازی نژادی و دومی پایان دادن به اشغال سرزمین‌های آذربایجان از سوی ارمنستان است، که این دو شرط از سوی ارمنستان غیر قابل پذیرش اعلام شده است (Lobjakas, 2007) و در نتیجه روابط دو کشور همچنان در بن بست باقی مانده است. البته اتحادیه اروپا بعد از شروع مذاکرات عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تلاش کرده است ترکیه را تحت فشار بگذارد تا نسبت به بازگشایی مرزهای خود با ارمنستان و عادی سازی روابط با آن اقدام نماید ولی تلاش‌های اتحادیه اروپا و درخواست‌های مکرر ارمنستان برای عادی سازی روابط با ترکیه بدون در نظر گرفتن دو پیش شرط ترکیه تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته است.

هر چند از سال ۲۰۰۸ با سفر عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه به ارمنستان به بهانه تماشای مسابقه فوتبال میان دو کشور و تداوم مذاکرات طرفین برای برقراری روابط رسمی دیپلماتیک و احتمالاً بازگشایی مرزهای دو طرف از سوی ترکیه و حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا از عادی سازی مناسبات دو کشور روندی به سوی بهبود روابط شروع شده است، که البته هنوز برای ارزیابی نحوه و نتایج این کنش‌ها و واکنش‌ها زود می‌باشد.

ارمنستان و روسیه

از میان سه کشور قفقاز جنوبی ارمنستان نزدیک‌ترین رابطه را با روسیه دارد. به لحاظ تاریخی نیز ارمنه به عنوان ملتی مسیحی بعد از اشغال قفقاز از سوی روسیه و جدایی آن از ایران از وضعیت پیش آمده بیشترین بهره را برده و روابط خوبی با امپراتوری روسیه به عنوان حاکمان جدید قفقاز داشته‌اند. بعد از فروپاشی شوروی، گرجستان و آذربایجان عمدتاً دارای نگرش‌های غرب گرایانه در سیاست خارجی و داخلی خود بوده‌اند، در حالی که ارمنستان بخاطر موقعیت خاص ژئوپلیتیک خود غالباً به روابط با روسیه در مقایسه با غرب اولویت داده است زیرا ارمنستان برای حفظ مناطق اشغالی سرزمین آذربایجان در مقابل فشارهای ترکیه و آذربایجان و بطور کلی برای حفظ امنیت ملی خود به روسیه وابسته است، به همین جهت روسیه نفوذ سیاسی و اقتصادی عمیقی در ارمنستان دارد، به نحوی که این نفوذ علی‌رغم میل ارمنستان بر توسعه روابط ارمنستان با غرب نیز به عنوان مانعی نقش بازی می‌کند.

روسیه همچنین قرارداد همگرایی و دوستی ۲۵ ساله با ارمنستان منعقد کرده است و با استفاده از موقعیت ارمنستان بدنبال آن است که در رقابت با اتحادیه اروپا و آمریکا بتواند حداقل بخشی از نفوذ خود را در قفقاز جنوبی حفظ نماید. به همین جهت به نظر می‌رسد روسیه و ارمنستان برای همکاری استراتژیک با یکدیگر منافع مشترکی دارند که از یک سو ناشی از نیاز ارمنستان به روسیه برای تأمین منافع ملی خویش در مقابل ترکیه و آذربایجان و از سوی دیگر نیاز روسیه به داشتن متحدی قابل اتکاء برای مقابله با نفوذ غرب در قفقاز جنوبی است.

ارمنستان و ایران

ارمنستان بخاطر موقعیت جغرافیایی نامساعد و عدم دسترسی به دریاهای آزاد در شرایط کنونی فقط از طریق دو کشور یعنی گرجستان به دریای سیاه و از طریق ایران به اقیانوس هند و دریاهای آزاد راه دارد. از سویی دیگر در منازعه آذربایجان با ارمنستان بر سر منطقه قره باغ ایران بطور رسمی موضع بی طرفانه‌ای اتخاذ کرد و حتی چندین بار برای میانجی‌گری میان دو کشور تلاش کرد، هر چند این تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبود، زیرا برخی از کشورها از جمله روسیه علاقمند به نقش آفرینی قاطع ایران در منطقه قفقاز جنوبی نبوده‌اند. با این وجود ارمنستان بخاطر نیازهای اقتصادی، انرژی و امنیتی علاقمند است با ایران روابط گسترده‌ای داشته باشد تا هم از موقعیت ترانزیتی ایران با ارتباط با اقتصاد جهانی و هم دریافت انرژی استفاده نموده و از سوی دیگر در مقابل فشارهای ترکیه و آذربایجان متحدی برای کاستن از این فشارها داشته باشد. از سوی دیگر ایران برای حضور در منطقه قفقاز جنوبی و تامین منابع ملی خویش علاقمند است نفوذ خویش در ارمنستان را افزایش داده و با توجه به نیازهای ارمنستان به ایران به نقش آفرینی در این منطقه بپردازد. همچنین ارمنستان به عنوان کشوری که مسیر نفوذ پیش از پیش ترکیه را در منطقه سد می‌کند برای ایران دارای اهمیت می‌باشد.

علی‌رغم نیازهای متقابل دو کشور به یکدیگر و اشتراکات موجود برای گسترش روابط، محدودیت‌هایی نیز در روابط دو کشور وجود دارد که البته خارج از توان و اراده دولت ارمنستان است. هم آمریکا برای فشار بر ایران و هم روسیه در جهت حفظ موقعیت بدتر و نفوذ خود در ارمنستان علاقمند به حضور تأثیرگذار ایران در ارمنستان نمی‌باشند و این موارد از عوامل اصلی عدم توسعه بیش از پیش روابط میان دو کشور می‌باشد. این در حالی است که با توجه به بسته بودن مرزهای ارمنستان با ترکیه و آذربایجان و عدم وجود مرزهای مشترک میان روسیه و ارمنستان، ایران نزدیک‌ترین و بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه است که می‌تواند در توسعه اقتصادی ارمنستان و تأمین نیازهای آن نقش اساسی ایفا نمایند.

نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا برای برقراری ثبات و توسعه سیاسی و اقتصادی کشورهای سه‌گانه قفقاز جنوبی بر مبنای ملاک‌ها و استانداردهای اروپایی، سیاست همسایگی اتحادیه اروپا را

در خصوص مناسبات دو جانبه با این کشورها ترسیم کرده است. علاوه بر حفظ ثبات و امنیت در این کشورها به عنوان همسایگان اتحادیه اروپا، رعایت ارزش‌هایی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر ملاک‌هایی هستند که اتحادیه اروپا جهت تعیین میزان همگرایی آنها با استانداردهای اتحادیه اروپایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در بعد اقتصادی توجه به موقعیت ترانزیتی قفقاز جنوبی برای دسترسی به منابع انرژی حوزه دریای خزر و همچنین تداوم اصلاحات اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار که وضعیت شفاف‌تری را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در این منطقه فراهم نماید، از جمله علایق و منافع اتحادیه اروپا است. در بعد امنیتی علی‌رغم اعمال نفوذهای مستقیم روسیه برای بهره‌برداری از منازعات این کشورها با جمهوری‌های خودمختار تجزیه‌طلب، اتحادیه اروپا با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی بدنبال حل مسالمت‌آمیز این منازعات به بن بست رسیده است.

در جنگ اخیر میان گرجستان و روسیه بر اوستیای جنوبی، فرانسه به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا با حضور مستقیم ساراکوزی در مسکو و ارائه طرح شش ماده‌ای برای آتش بس میان طرفین و پذیرش آن از سوی روسیه و گرجستان این اتحادیه نقش برجسته‌ای را در برقراری آتش بس و درخواست از روسیه برای بازگرداندن نیروهای نظامی به موقعیت‌های قبل از شروع جنگ نقش اساسی ایفا کرده است و بدنبال آن دیدارهای متوالی وزرای خارجه و سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا از گرجستان و حمایت آنها از عضویت گرجستان در ناتو عمل‌نشان داد که بر خلاف تصور روسیه، امکان سلطه کامل روسیه بر گرجستان با توجه به اهمیت استراتژیک آن برای اروپا و آمریکا مقدور نخواهد بود. از سویی دیگر حمله روسیه بر گرجستان روابط ناتو و روسیه را دچار عدم اطمینان‌هایی نموده است که عملاً به تشدید حضور سیاسی و اقتصادی و امنیتی کشورهای عضو ناتو در منطقه خواهد انجامید. هر چند افزایش تنش در روابط گرجستان و روسیه امنیت این منطقه را به عنوان کریدوری امن برای حمل و نقل و انتقال انرژی بین حوزه دریای خزر و اروپا را با نگرانی‌هایی جدی همراه کرده است.

در ارزیابی کلی روابط اتحادیه اروپا با این سه کشور می‌توان اظهار داشت که گرجستان بدنبال موازنه منفی در روابط با روسیه یعنی خواهان دوری از روسیه و پیوستن به نهادهای یورواتلانتیکی است. آذربایجان سعی دارد موازنه‌ای از روابط بین روسیه و اتحادیه اروپا و آمریکا را برقرار سازد ولی ارمنستان با توجه به الزامات ژئوپلیتیک خود هنوز روابط

گسترده‌ای با روسیه دارد و از توسعه روابط به نهادهای یوروآتلانتیکی بخاطر نگرانی از عکس‌العمل روسیه با احتیاط استقبال می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. امینیان، اکبر، "نگاهی به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل در پرتو حمله روسیه"، معاونت روابط مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش راهبردی، شماره ۱۹۵.
۲. در مورد تاریخچه و فعالیت گوام به سایت زیر رجوع نمایید.

<http://www.guam.org>.

3. Brzezinski, Z. "**The Grand Chessboard: American Primacy and Its Geostrategic Imperatives**", New York: Basic Books, 1997.
4. Castle, Stephen, "**NATO Accuses Russia of Stirring Tensions in Georgia**", Herald Tribune, May 1, 2008. available at <http://www.iht.com/bin/printfriendly.php>.
5. Elements for Inclusion in an EU / Georgia ENP Action Plan, 20 December 2005.
6. European Commission External Relations, Summary on EU – Armenia Relations, 2008.
7. European Commission External Relations, Summary on EU – Azerbaijan Relations, 2008.
8. European Neighborhood and Partnership Instrument Azerbaijan, Country Strategy Paper 2007 – 2013, 2006.
9. Georgia's Inclusion in to the U.S. Government Millennium Challenge Project, at available <http://www.mca.gov>.
10. International Crisis Group Working to Prevent Conflict World Wide, Europe Report N173 Conflict Resolution in the South Caucasus: the EU's Role, 20 March 2006.
11. Leonard, Mark and Grant, Charles. "**Georgia and EU: Can Europe's Neighborhood Policy Deliver?**", Center for European Reform, 2005.
12. Lobjakas, Ahto. Armenia: "**Foreign Minister Appeals for EU Pressure on Turkey**", Radio Free Europe, 2007.
13. Lynch, Dov. "**Why Georgia Matters**", Institute for Security Studies, February 2006.
14. Mcelroy, Damien. "**Putin Area tens Europe Over Energy Supply**", www.telegraph.co.uk September 1, 2008.
15. Mishin, Vladimir. "**Azerbaijan Wants Its Gas to Flow to Nabucco**", Nezavisimaya, 2008.
16. Office of the State Minister on European and Euro - Atlantic Integration, Georgia Toward EU Integration, Power Point Presentation, August 2005.
17. Starr, Fred and Cornell, Svante. (eds) The BTC Pipeline: "**Oil Window to the West**", Washington: CACI John Hopkins University, 2005.
18. The European Commission's Delegation, The Implementation of the European Neighborhood Policy in 2007 Progress Report, 2008.